

حاج میرزا آقاسی

-۱۵-

پرفسور پرون خاورشناس معروف میگوید: «حاجی میرزا آقاسی بین ایرانی‌ها يك صدر اعظم خیلی نالایق و بی‌اطلاع شناخته شده و هم اوست که حق بحرییمائی انحصاری در بحر خزر را به روسها وا گذاشت و با بی‌اطلاعی هر چه تمام‌تر گفت: «ما آب شور بحر خزر را چه میخواهیم بکنیم؟ ما مرغابی نیستیم که احتیاجی به آب شور داشته باشیم.» وقتی از او پرسیدند که چرا بحر خزر را به روسها واگذار کردید؟ گفت «برای مثنی آب شور کام شیرین دوست راتلیخ نباید که رد.»^۱ به استناد دلایلی که در زیر اقامه خواهد شد بیان چنین مطلبی از طرف حاج میرزا آقاسی خاصه اینکه در منابع داخلی هم نوشته نشده است مستبعد به نظر میرسد. بقراریکه راقم این سطور استنباط میکند این هم از آن مضمون‌هایی است که مخالفان حاجی مخصوصاً خارجی‌ها برای او کواک کرده و در افواه انداخته‌اند. در همین ایام‌اخیر نیز یکی دوتن از رجال یا کدامن‌ودرستکار نیز به‌سر نوشت حاجی میرزا آقاسی دچار گردیده و چون در موقع صدارت به تقاضای غیر قانونی ارباب توقع روی موافق نشان نداده‌اند داستانهائی راجع به آنان؛ سر زبانها افتاده است که اشخاص واقع بین و کنجکاو در مجمول بودن آن حکایات شبهه و تردیدی ندارند.^۲

به عقیده دانشمند استاد آقای سیدمحمد علی جمال‌زاده اقدامات مجدانه حاج میرزا آقاسی در زمینه اصلاح و توسعه آبیاری و تنظیم قشون برای برائت ذمه اوکافی به‌نظر میرسد. استاد نامبرده به دنبال این عبارات چنین مینویسد: «خواهید گفت پس چرا در موقع عهدنامه روس و ایران، بحر خزر را که گنج گرانبھائی است به‌عنوان اینکه آب شور به‌کار خرس‌های روس میخورد به روس‌ها داد؟ اگر اندکی تأمل بفرمائید تصدیق خواهید نمود که این مطلب هم از اکاذیب تاریخی است چونکه عهدنامه روس و ایران در زمان سلطنت فتحعلی شاه در سنه ۱۲۴۳^۳ بسته شد و حاجی میرزا آقاسی هفت سال پس از آن تاریخ صدر اعظم گردید. پس در این صورت آیا جای آن ندارد که بگوئیم امان از دست تاریخ؟!»^۴

آقای دکتر علی اکبرینا استاد محترم دانشگاه طهران ضمن بررسی معاهده گلستان و تجزیه و تحلیل مواد پیمان مزبور مینویسد: در تاریخ هفتم شوال ۱۲۲۸ (۱۳ اکتبر ۱۸۱۳) این معاهده مقدماتی در قصبه گلستان به امضا رسید. نماینده ایران که حامل متن معاهده بود در راه ذی‌حجه به طهران وارد شد. در طهران مباحثات زیادی قبل از امضای قطعی معاهده به عمل آمد ولی بطوریکه جیمز موریه اظهار میدارد این مباحثات مربوط به مطالب اساسی معاهده نبود بلکه راجع به عبارت و عناوین نمایندگان و مطالب بی‌اهمیت صحبت میشد. مطالعه مقدمه معاهده

۱ - يك سال میان ایرانیان ترجمه ذبیح‌الله منصوری ص ۱۲۳ - ۲ - مراد داستانهائی است که مخالفان شوخ طبع برای مرحوم حکیم‌الملک (ابراهیم حکیمی) و جناب آقای محمد ساعد نقل کرده‌اند. ۳ - مقصود عهد نامه منحوس ترکمن چای است. ۴ - هزار پیشه

بطول انجامید زیرا قبلاً عناوین نمایندگان مختار دولتمین را تعیین کنند. برعکس مطالعه مواد مربوط به کشتی‌رانی دریاچه خزر به سرعت خانمه پذیرفت. حاجی میرزا آقاسی که بعدها وزیر محمد شاه شد با اظهار جمله تاریخی خود «ماچه احتیاجی به آب شور داریم» به مباحثات خاتمه داد و بالاخره دولت ایران معاهده را به نحوی که در گلستان تنظیم گردیده بود امضا نمود. ۵۴

نویسنده محترم متأسفانه مأخذ مطالب بالا را ذکر نکرده اما از فحوای عبارت چنین استنباط میشود که این جملات از کتاب جمیز موریه ۶ اقتباس گردیده است. البته حاجی میرزا آقاسی در گیر و دار دومین دوره جنگ‌های ایران و روس همراه اردوی عباس میرزا نایب‌السلطنه بود و به قول جهانگیر میرزا پیوسته اوقات شکایت داشت که از جان یک نفر ملای حلواخور چه میخواهند و چرا او را مرخص نمیکنند. ۷ ولی در زمان مأموریت موریه در ایران، و هنگام انعقاد عهدنامه گلستان حاجی میرزا آقاسی در طهران اقامت نداشت مضافاً به اینکه دارای مقام و منصب مهمی هم نبود که در مذاکرات نمایندگان دولتمین ایران و روسیه شرکت نماید. ظاهراً مأخذ آقای دکتر بینا در بیان این مطلب تاریخ ایران تالیف سرپرسی سایکس انگلیسی میباشد که ضمن بحث پیرامون فصل پنجم معاهده گلستان در حاشیه مینویسد: «وقتی که در باره این ماده بعدها در طهران مذاکره شد حاجی میرزا آقاسی که وزیر محمد شاه بود مطلب را خلاصه کرد و فریاد کشید ما از آب شور چه میخواهیم. ۸۴ بقراریکه ضمن یادداشت‌های گذشته کراً متذکر شده‌ایم حاجی میرزا آقاسی مرد شوخ و بذله گوئی بوده و در این صورت اگر چنین چیزی هم به‌طور مزاح گفته باشد ارتباطی به‌زمان قتمعلیشاه نخواهد داشت و مربوط به سال ۱۲۶۲ و موقع صدارت خود او خواهد بود. به منظور روشن شدن موضوع بدو به نقل عین ماده پنجم عهدنامه گلستان و ماده هشتم پیمان منحوس تر کمین جای مبادرت و سپس پیرامون اقدامات حاجی و اظهاراتی که به او نسبت داده

۵ - تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران تالیف دکتر علی‌اکبر بینا جلد اول چاپ سوم ص ۱۸۱ .
 ۶ جمیز موریه در سال ۱۷۸۰ میلادی در از میر متولد شد و پس از تحصیلات مقدماتی به تشویق عمومی خود که یکی از صاحب منصبان بحری دولت انگلیس بود به تحصیل علوم سیاسی پرداخت. هنگام عزیمت سره‌افورد چون به ایران، موریه نیز بعنوان منشی سفارت فوق‌العاده انگلستان همراه سفیر نامبرده به ایران آمد. و در ۲۸ ذی‌حجه ۱۲۲۳ وارد طهران شد بعد از عقد قرارداد سال ۱۸۰۹ م ۱۲۲۴ ه. همراه با میرزا ابوالحسن خان شیرازی سفیر ایران به لندن رفت. بعد به اتفاق سرگور اوزلی و میرزا ابوالحسن خان مجدداً به ایران مراجعت کرد و روی هم رفته قریب هشت سال در ایران بود. وی اطلاعات زیادی از اوضاع و احوال ایران جمع‌آوری نمود و از تمام قضایای سری و علنی بین ایران و انگلیس و روس باخبر بود و تا اواخر سال ۱۸۱۵ میلادی (۱۲۳۱ هجری) در ایران اقامت داشت و سپس از راه قفقاز و روسیه عازم انگلستان گردید و شرح هر دو مسافرت و مدت توقف در ایران را در دو جلد طبع و منتشر کرد. موریه بواسطه تالیف کتاب حاجی‌بابا در شرق و غرب مشهور شد و با اینکه ایرانیها نسبتاً به او فوق‌العاده مهربانی کرده‌اند وی نسبتاً به ایرانیها خیلی بدبین بوده و ایران و ایرانیان را در کتب خود بسیار بد معرفی نموده است. (تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس تالیف محمود محمود جلد اول ص ۱۶۲).
 ۷ - تاریخ نوس ۶۲ .
 ۸ - تاریخ ایران تالیف سرپرسی سایکس

جلد دوم ص ۴۵۶ ترجمه سید محمد تقی فخر داعی کلبانی .

شده است بحث میشود.

ماده پنجم عهدنامه گلستان :

« کشتی‌های دولت روسیه که برای معاملات بر روی بحر خزر تردد مینمایند به دستور سابق مأذون خواهند بود که به سواحل و بنادر جانب ایران عازم و نزدیک شوند و زمان طوفان و شکست کشتی از طرف ایران اعانت و یاری دوستانه نسبت به آنها بشود و کشتی‌های جانب ایران هم به دستور سابق مأذون خواهند بود که برای معامله روانه ساحل روسیه شده به همین نحو در هنگام طوفان و شکست کشتی از جانب روسیه اعانت و یاری دوستانه درباره ایشان معمول گردد. در خصوص کشتی‌های عسکریه روسیه به طریقی که در زمان دوستی و یا در هر وقت کشتیهای جنگی دولت روسیه با علم و بیرق در دریای خزر بوده‌اند حال نیز محض دوستی اجازه داده میشود که به دستور سابق معمول گردد و احدی از دولتهای دیگر سوای دولت روس کشتیهای جنگی در دریای خزر نداشته باشند. »

ماده هشتم قرارداد ترکمن چای :

« سفاین تجارنی روس مثل سابق حق خواهند داشت که به آزادی در بحر خزر و درامداد سواحل آن سیر کرده و به کساره‌های آن فرود آیند و در موقع شکست و غرق در ایران معاونت و امداد خواهند یافت و سفاین تجارنی ایران هم حق خواهند داشت که به قراقرس سابق در بحر خزر سیر نموده و به سواحل روس بروند و در صورت غرق و شکست هم به آنها کمک و امداد خواهد شد.

امداد باب کشتیهای جنگی، چون آنهایی که بیرق نظامی روس دارند از قدیم‌الایام بالانفرد حق سیر در بحر خزر را داشته‌اند، حال هم بدین سبب این امتیاز منحصر به همان کشتی‌ها خواهد بود بطوریکه بغیر از دولت روسیه دولت دیگری حق نخواهد داشت که سفاین جنگی در دریای خزر داشته باشد. »

در زمان محمد شاه روسها به استناد موادی که در بالا نوشته شد و ظاهراً به دعوت دولت ایران و به منظور تنبیه دزدان دریائی و جلوگیری از شرارت ترکمانان، جزیره آشوراده را اشغال و آنرا به یکی از پایگاه‌های دریائی خود مبدل نمودند. در سال ۱۲۶۲ از دربار ایران تقاضا کردند که با صدور فرمان مخصوصی موافقت نماید که کشتی‌های جنگی روسیه وارد مرداب انزلی شود و در آنجا لشکر بیندازد. حاجی میرزا آقاسی ابتدا زیر بار نرفت و به تقاضای روسیه تزاری روی موافق نشان نداد. کنت نسلرود صدراعظم و وزیر امور خارجه روسیه به اشاره کنیزالدالگورکی وزیر مختار روس در طهران نامه مفصلی برای حاجی فرستاد و در ضمن متذکر شد که « بموجب عهدنامه ترکمن چای به سفاین حریبه و به کشتی‌های تجارنی روسیه حق نامحدود و سیر آزادی در جمیع آبهای بحر خزر داده شده و از این حق عام استثنای مخصوص که به مرداب انزلی دخل داشته باشد در عهدنامه مذکور مندرج نشده است. چون این گونه استثنای مخصوص قرارداد نشده بناه علیه موافق مضمون حقیقی عهد نامه مذکور، سفاین روس آشکارا حق ثابت دارند که داخل مرداب مذکور شوند مثل همه خلیج‌های بحر خزر برهم زدن حقوق خود را از هر که بوده باشد دولت بهیة روسیه ابدان نخواهد گذاشت و هر گز رخصت نخواهد داد و در هیچ وقت متحمل نخواهد شد. »

صدر اعظم روسیه طی همین نامه به ایاب و ذهاب کشتیهای اروپائی در بغازهای داراندل و بسفور اشاره میکند و میگوید اصولاً عبور و مرور سفینه‌های جنگی و کشتیهای بازرگانی در

کرانه‌های ممالک دوا، متحابه و توقف آنها در بنادر این دولتها مطابق عرف بین الملل اشکالی نخواهد داشت و سپس مینویسد: «چرا این گونه واقعه را در دوا خارجه جستجو نمائیم با وجود اینکه خود در دولت علیه ایران اتفاق میفتد. به کل عالم معلوم و مشخص است که سفاین حریبه دول مختلفه در هر وقت بدون ممانعت داخل بحرالمجم میشوند و به ابوشهر فرود می‌آیند و در آنجا جناب‌غراف مدم وزیر مختار سابق ما که به آن جناب خوب معروف است خود فرصت داشت که به کشتی جنگی انگلیس که در آنجا لنگر انداخته بود رفت.»

چاپ نامه‌های مفصلی که بین حاجی و صدراعظم روسیه مبادله گردیده از حوصله صفحات مجله گرامی بیجا خارج است و خلاصه دولت روسیه دولت ایران را تهدید میکند که هر گاه برای عبور و مرور کشتیهای بازرگانی و جنگی روسیه و یا توقف آنها در مرداب انزلی موافقی به وجود بیاید روسیه تزاری ناگزیر دست به اقدامات مقتضی خواهد زد. صدراعظم روسیه عملیات قوای نظامی آن دولت و اشغال جزیره آشوراده را نیز به منزله بشردوستی و به منظور جلوگیری از شرارت اشرار ترکمان و انمود میکند. عجب این است که انگلیسها هم چندی بعد به عنوان بشردوستی و جلوگیری از برده فروشی در خلیج فارس به اصرار از حاجی میرزا آقاسی فرمانی گرفتند تا با تفسیر و توجیه مندرجات آن به نفع خود، در آب های خلیج آزادی عمل داشته باشند.

حاجی میرزا آقاسی پس از وصول نامه صدراعظم روسیه شرح مستدلی به تاریخ ذی قعدة ۱۲۶۲ در جواب او مینویسد که رئیس مطالب آن از این قرار است:

۱- خلاصه ماده هشتم قرارداد این است که کشتیهای جنگی آن دولت حق دارند کما فی السابق، در بحر خزر سیر نمایند و به استناد کلمه «کما فی السابق» چون سابقاً کشتیهای روسیه در مرداب انزلی نمی آمدند پس از این هم نمی توانند بیایند.

۲- غراف مدم وزیر مختار سابق روس رسماً اعلام داشته بود که کشتیهای جنگی در بحر خزر «تردد» خواهند کرد نه «توقف» پس چرا کشتیهای آن دولت در قلنق استراباد و اشوراده لنگر توقف انداخته و جزیره مزبور را اشغالی متصرفانه نموده اند:

۳- اگر دولت روسیه حق دارد کشتیهای بازرگانی خود را به توپ مجهز کند چرا کشتیهای تجارتي ایران از این حق ممنوع اند؟

۴- استقرار نیروی دریایی روسیه در کرانه‌های دریای خزر امنیت و آسایش ساحل نشینان آنجا را تأمین نکرده بلکه بالعکس مردم را گرفتار غارت و چپاول و تاراج کرده است.

۵- دولت ایران طبق تقاضای دولت روسیه مهاجرین و سالدانهای فراری آن کشور را تسلیم و متقابلاً تقاضا کرد که از معامله و مراوده مأمورین مرزی با اهالی استراباد جلوگیری بعمل بیاید ولی متأسفانه دولت روسیه به این تقاضای قانونی و موجه ترتیب اثر نداد.

۶- اگر کشتیهای جنگی کلبه دول هنگام صلح در تمام بنادر مثل بفاز اسلامبول رفت و آمد میکنند در آنجا وسایل دفاع فراهم است و آن وضع و حکم علیحده دارد.

۷- چون لنگر گاه ابوشهر تا خشکی دوفر سنگ مسافت دارد کشتیهای جنگی اسلامی نمیتواند به ساحل نزدیک شوند و از طرفی وسایل دفاعی ابوشهر از هر جهت تقویت گردیده و علاوه بر این دولت ایران از داشتن کشتی جنگی در خلیج فارس ممنوع نشده است در صورتی که در بحر خزر این حق را متأسفانه از او سلب کرده اند.

۸- وانگهی اگر مرداب اترلی موافق عهدنامه جزو بحر خزر است دیگر چرا اذن و اجازه کتبی از ما میخواهید؟ اگر نیست چرا اذن و اجازه بدیم؟ چون به تجربه ما چیزها آموخته ایم و از قضیه آشوراده باید عبرت بگیریم.

۹- اگر این توضیحات قانع کننده نباشد خود من (حاجی) حاضرم به سن پترزبورغ بیایم و حضوراً درباره مسایل مورد اختلاف مذاکره کنم.

۱۰- آیا دولت روسیه اجازه میدهد که کشتیهای جنگی سایر دول به مرداب پترزبورغ که جزو بحر بالتیک است داخل بشوند یا نه؟ اگر نمیدهد چرا چنین اجازه ای را از ما میخواهد؟ در صورتی که حکم بحر خزر و بحر بالتیک و دو مرداب یکی است.

۱۱- حقیقت این است که در این اواخر اعمال و حرکاتی از ماموران و کارکنان آن دولت مشاهده گردیده که دولت ایران را نسبت به حسن نیت دولت روسیه مردد ساخته و این موضوع باعث نوهماتی شده است. اشغال آشوراده و تصرفات مالکانهای که در آنجا میشود و ساختمان حمام و بیمارستان و اسلحه خانه در جزیره نامبرده از جمله اعمالی میباشد که باعث سوء ظن دولت ایران گردیده است.

۱۲- اعمال تند و خشونت آمیز قسولهای روسیه در مناطق شمالی کشور و تخطی آنان از حدود مقررات و وظایف قانونی خود و تشویق و تحریک افراد به ترک تابعیت دولت ایران و قبول تابعیت روسیه موجبات عدم رضایت و نگرانی اولیای دولت شاهنشاهی را فراهم نموده است. قسول کیلان در این تندروها از سایر همکاران خود گوی سبقت را برده و با این ترتیب یقین است که آمد و رفت کشتیهای جنگی روسیه در مرداب اترلی او را در ادامه عملیات ناروایی که پیش گرفته جری تر خواهد ساخت (۴)

استدلالات منطقی حاج میرزا آقاسی متأسفانه مؤثر واقع نگردید و پافشاری و شدت عمل دولت روسیه تزاری سرانجام او را ناچار کرد که نامه ای به شرح زیر به حاکم کیلان بنویسد:

«عالیجاه مقرب الخاقان مخدومی محمد امین خان (۱۰) بیگلربیگی کیلان. در این وقت اظهار

۹- برای مطالعه نامه مفصلی که بین کنت نسلرود و حاجی میرزا آقاسی مبادله گردیده است رجوع کنید به صفحات ۲۵۲ تا ۲۵۸ کتاب «تصریح خبری تألیف ابراهیم تیموری صفحات ۲۶۸ تا ۲۷۷ کتاب امیر کبیر و ایران تألیف دکتر فریدون آذرشت».

۱۰- محمد امین خان پسر محمد حسن خان دولوی قاجار است که پس از فوت پسر در ۱۲۴۵ به جای اونسقچی باشی دربار فتحعلی شاه شد. (ناسخ التواریخ، قاجاریه جلد اول ص ۲۶۳) وی در زمان محمد شاه به سال ۱۲۴۶ به جای امان الله خان افشار با سمت پیشکاری و وزارت یحیی میرزا حاکم کیلان به رشت رفت و پس از چندی مستقلاً زمام امور آنجا را که به دست گرفت. (همان کتاب جلد دوم ص ۱۱۰) محمد امین خان شوهر اول ملک گوهر خانم معروف به شاه بی بی خواهر اعیانی عباس میرزا و علی خان ظل السلطان و از طرفی خاله زاده او و بعبارت دیگر خواهر زاده امیر خان سردار دانی عباس میرزا نایب السلطنه است. ملک گوهر خانم با محمد امین خان سازش نمی کند و از او طلاق میگردد و به عقد میرزا ابوالقاسم فراهانی درمی آید. عباس میرزا از این پیش آمد عصبانی میشود و میگوید ملک گوهر خانم خواهر من نیست و خواهر ظل السلطان است. (تاریخ مهتدی ص ۲۵) محمد امین خان پس از فوت فتحعلی شاه با ملک سلطان خانم بیوه

میشود که هر وقت کشتی‌های جنگی آتش‌ی دولت بهیة روسیه به مرداب انزلی میاید به هیچ وجه من‌الوجوه مانع و متعرض آنها نشوند و گذارند که به انزلی و مرداب آنجا بیایند البته آن مخدم از قراری که نوشته شده است ممول دارند .

سکوت و ممانعت حاجی میرزا آقاسی نسبت به عملیات روسها در آشوراده و موافقت وی بارت و آمد کشتی‌های روسیه در مرداب انزلی باعث شد که انگلیسها او را مزدور و جیره‌خوار مقامات سن پترزبورغ معرفی کنند و مخالفان داخلی نیز به تبعیت از عناصر خارجی عملیات او را مورد اشقاد قرار دهند. البته تردیدی نباید داشت که وقایع تاریخی و اعمال رجال سیاسی و زمامداران مسئول کشور باید همیشه با در نظر گرفتن زمان و مکان و اوضاع و احوال وقت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل واقع شود. اگر حاجی میرزا آقاسی راجع به آب شور بحر خزر اظهاراتی کرده باشد به ظن قریب به یقین در همین اوقات بوده است. پس از این که نقادها و ریزه‌خوانی‌های گروهی بی‌خبر از اوضاع بین‌المللی به گوش او میرسند در جواب کسانی که از زور گوئی عمال قلدر روسیه تزاری اطلاع نداشتند و عقل و منطق را تحت الشعاع و تابع احساسات قرار داده بودند ممکن است بطور استهزا گفته باشد برای مثنی آب شور کام شیرین دوست را تلخ نباید کرد .

مأمورین انگلیسی همه بدون استئنا از حاجی میرزا آقاسی بد گوئی نموده‌اند و نویسنده ضمن یادداشت‌های قبل به مقتضای سخن قسمتی از نوشته‌جات آنان را نقل کرده است . ویلیام نیلور طامسن وزیر مختار انگلیس طی نامه مورخ ربیع الاول ۱۲۷۱ به میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری مینویسد: حاج میرزا آقاسی علانیه اظهار افتخار به رعیتی روس می‌کرد. (۱۱) ایستیک که در اکتبر ۱۸۶۰ وارد طهران شده و بعدها به سمت کاردار سفارت انگلیس در طهران منصوب گردیده است در سفر نامه خود مینویسد: حاجی میرزا آقاسی جزیره آشوراده را به روسها بخشید .

دولت ایران بعدها یعنی هنگام سلطنت ناصرالدین شاه و صدارت میرزا آقاخان به سال ۱۲۷۱ ه . ق (۱۸۵۴ میلادی) که روسها گرفتار جنگ کریمه بودند موضوع مرداب انزلی را به میان کشید و رفت و آمد کشتی‌های روسیه را به آنجا متوقف ساخت ، دولت روسیه به همان قراری که به موجب معاهده محرمانه خود با ایران از مطالبه ۳۳۰ هزار تومان بقیه غرامات معاهده ترکمن چای (۱۲) صرف نظر کرد با تقاضای ایران نسبت به عدم رفت و آمد کشتیهای خود در مرداب انزلی نیز موافقت بعمل آورد . مورخان دوره قاجاریه ابطال امتیازی را که از طرف حاجی میرزا آقاسی داده شده بود از جمله خدمات اعتمادالدوله نوری قلمداد کرده‌اند . میرزا محمد تقی لسان‌الملک سپهر مینویسد:

« کارداران دولت روسیه وقت میرفت که بیرون قواعد معموله بدان سر میشدند که کشتی‌های جنگی و تجارتی خود را به مرداب انزلی در آورند و اهالی روس بدین فزونی طلبی خطی بی اجازت پادشاه از حاجی میرزا آقاسی می‌نمودند . چون حدیث این امر مورث مفسده چند می افتاد صدر اعظم مقرر داشت که چون خط بی اجازت پادشاه بود کشتی ایشان از حدود سابقه مسابقت نجوید و بر

شاه که دختر عموی خودش و خواهر محمد ناصر خان ظهیرالدوله بود ازدواج میکند . ملک سلطان خانم از فتح‌ملیشاه يك دختر داشت به نام ملک‌زاده خانم که به عقد محمدخان فومنی در آمد . (تاریخ عضدوی ص ۷۸) ۱۱ - نگاه کنید به مقاله دوست دانشمند گرامی آقای سرهنک جهانگیر قائم مقامی مندرج در شماره دوم سال هیجدهم بقما . ۱۲ - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس تألیف محمود محمود جلد دوم ص ۵۱۲

خطی که از حاجی میرزا آقاسی می نمودند خط ترفین کشید. « (۱۳) . حقیقت قضیه این است که نه حاجی قصد خیانت داشت و نه اعتمادالدوله قدرت انجام خدمت و تنها مقتضیات سیاسی و اوضاع بین المللی و حمله قوای انگلیسی و فرانسه و عثمانی به روسیه بود که روسها ناچار شدند از قلدری و زور گویی موقتاً صرف نظر کنند .



حاجی میرزا آقاسی بدبختانه هنگامی زمام امور مملکت را به دست گرفت که حریف زورمند و قوی پنجه شمالی ازباده پیروزی سر مست گردیده بود و به استناد قرارداد تنگین ترکمن چای هر روز نغمه نازهای ساز میکرد و امتیاز جدیدی میگرفت و دامنه توفقات روز افزون او حد بقف نداشت. در اوایل سلطنت سلسله قاجاریه روسها از آقا محمدخان اجازه گرفتند در نزدیکی شهر استراباد تجارتخانه ویا به اصطلاح آن روز «دارالمعامله» ای بنا کنند. آقا محمدخان بعد که متوجه شد روسها او را فریب داده و به جای تجارتخانه قلعه جنگی محکمی در آنجا ساخته و هیجده عراده توپ در آنجا نصب کرده اند صاحب منصبان روس را به شام دعوت میکند و سپس دستور میدهد که همگی را به زنجیر بکشند و قلعه جدید النارا منهدم نمایند. (۱۴) در دوره سلطنت محمدشاه روسها به منظور ازدیاد نفوذ خود در سواحل جنوبی بحر خزر از نو شروع به فعالیت نمودند و با استفاده از عهدنامه ترکمن چای در صدد برآمدند که در ساحل استراباد بیمارستان و تجارتخانه دایر کنند. حاجی میرزا آقاسی که سابقه موضوع را در زمان آقا محمدخان میدانست از اقدامات روسها اظهار تکرانی کرد و بیم آن داشت که روسها باز به بهانه بنای بیمارستان و تأسیس تجارتخانه به ساختمان قلاع جنگی مبادرت نمایند. از همین نظر به تقاضای روسها در این زمینه ترتیب اثر نمیدهد اما سرانجام در نتیجه پافشاری وزیر مختار روس با شرایط مخصوصی نسبت به بنای انبار برای کالاهای تجارتی بازرگانان روسی موافقت میکند و نامه ای به شرح زیر به کتیباز دالگور کی مینویسد :

دراوقانی که عالیجاه مجدت همراه دوست مهربان چرناپوف صاحب (یعنی فئسول روس در استراباد) در دارالخلافه بود از من خواهش کرد که در فرضه استراباد انباری به جهت گذاردن مال-التجاره تجارتیعه دولت بهیه روسیه بسازم و گرایه بدهم و عالیجاه مشارالیه نیز در این اوقات شرحی از استراباد در این باب به دوستدار نوشته بود اگرچه موافق شروط عهدنامه مبارکه (!!) انبار باید در محل تجارت که خود شهر استراباد است ساخته شود اما از این که دوستدار میخواهد رضای خاطر عالیجاه مشارالیه را به عمل آورد در این وقت شرحی به عالیجاه سلیمان خان بیگلربیگی قلمی داشته که انباری به قدر کفاف مالالتجاره تیعه دولت بهیه روسیه در فرضه استراباد در محلی که مناسب باشد از پول دوستدار که دخلی به کار دولتی ندارد بسازد گرایه بدهد چون استحضار آن جناب لازم بود در این وقت نوشتجات استراباد را نزد آن جناب فرستاد که از مضامینش استحضار حاصل نموده زحمت کشیده ارسال استراباد فرمایند. فی هفتم شهر صفر سنه ۱۲۶۳ «

حاجی میرزا آقاسی علاوه بر نامه ای که بوسیله سفارت روسیه به سلیمان خان بیگلربیگی نوشته است نامه محرمانه زیر را هم جدا گانه مستقیم به بیگلربیگی استراباد مینویسد و توصیه میکند

۱۳ - ناسخ التواریخ ، تاریخ قاجاریه جلد سوم ص ۱۵۶ . ۱۴ - منتظم ناصری جلد سوم ذیل وقایع سال ۱۱۹۷ . سیهور هدایت این واقعه را بصورت دیگری ضبط کرده اند . (تاریخ قاجاریه جلد اول ص ۲۳ و روضه الصغای ناصری جلد نهم ص ۱۷۴ چاپ خیام) .

که در بنای انبار مرافقت لازم به کار برد و ترتیبی دهد که روسها نتوانند انبار جدید البنارا به صورت قلمه جنگی در آورند .

مقرب الخاقا نامخدوما

موافق شرط عهدنامه تر کمن چای باید کار گذاران دولت علیه در شهر استراباد که محل تجارت و معاملات است انباری به قدر کفاف مال التجاره نیمه دولت بهیه روسیه بسازند به آنها کرایه بدهند اما در موقعی که عالیجاه دوست مهربان چرباتوف صاحب در دارالخلافه بود از من خواهش کرد که چون اموال تجار نیمه دولت بهیه روسیه را که از کشتی به خشکی فرو می آورند مکانی بدارند که مال خود را از یزف و بازار محفوظ بدارند اموال آنها ضایع و تلف می شود من انباری در فرضه استراباد بسازم به آنها کرایه بدهم . من محض استرضای خاطر عالیجاه مشارالیه قبول کردم **انباری از پول خود که به هیچ وجه دخلی به امور دولتی ندارد** بسازم . در این باب به آن مخدوم نوشته به توسط چایارسفارت فرستادم که ملاحظه خواهید نمود لهذا مجدداً به آن مخدوم مینویسم که انبار مزبور به قدر مال التجاره آنها در محلی بسازد که به هیچ وجه ضرری برای دولت علیه نداشته باشد و انبار مزبور حصار و قلمه نمی خواهد مجتمع هم نسازد و متفرق باشد میباید آن مخدوم بطوری که نوشته شده است انبار مزبور را در فرضه استراباد بسازد آن چه خرج نماید من خود به آن مخدوم خواهم داد و کسی هم از این نوشته مستحضر نشود باقی والسلام .

حاجی در ذیل نامه خطبه خود نوشته :

« انبار انبار است و کاروانسرا کاروانسرا و قلمه قلمه، چند جا انبار ساختن و به هم متصل نمودن و به صورت قلمه در نیاوردن سبب اطمینان اهالی طرفین است . به وضعی بسازید که به صورت قلمه و کاروانسرا که برادر کوچک قلمه است در آن سرحد باعث صد هزار گفتگو است . خانه که چند اطاق کوچک برای نشستن تجار و انبار بزرگی که بسیار بزرگ باشد برای گذاشتن بار کفایت دارد بعد به فاصله يك صد ذرع باز مثل آن می توان و همچنین ، اگر مطلب را یافتید فبها والا آدم دیگر بفرستم بیاید انبارها را ساخته مراجعت کند . بتاريخ سه شنبه نهم شهر صفر سنه ۱۲۶۳ (۱۵)

مطالب بالا حاکی از این است که حاجی میرزا آقاسی یعنی کسی که از طرف مخالفان متهم به جانبداری از روسیه تزاری شده است ابتدا در مقابل درخواست روسها مقاومت و کوشش میکند که از زیر بار تکلیف سنگین آنان شانه خالی نماید . پس از یافشاری روسها هم سعی و دقت به کار میبرد که روسها از نوشتجات او اتخاذ سند نکنند بالمصراحه اعلام میدارد که انبار مورد تقاضا به خرج خود او بنا می شود و ارتباطی به دولت نخواهد داشت . تعلیمات او دایر به طرز ساختن انبار نیز که به صورت قلمه در نیاید و روسها نتوانند در موقع لزوم برای عملیات جنگی مورد استفاده قرار دهند به نظر کسانی که با دیده انصاف مسایل تاریخی را تجزیه و تحلیل میکنند قابل تحسین است .

یکی از نویسندگان معاصر معتقد است اولین صدراعظمی که با اجازه دادن شیلات بحر خزر به روسها مخالفت کرد حاجی میرزا آقاسی بود . بعد از او امیر کبیر و میرزا آقاخان هم اقداماتی در این زمینه به عمل آوردند ولی هیچکدام نتوانستند بکلی دست روسها را از شیلات شمال کوتاه

سازند ۱۶ حاجی میرزا آقاسی برای آنکه شیلات مستقیماً تحت نظر خود او اداره شود از محمد شاه تقاضا میکند که تمام شیلات را به او اجازه دهد و سپس درصدد می آید اجازه نقاطی را که در دست اتباع روسیه است و موعد و مدت آن منقضی گردیده تجدید نماید .

پس از مطالعه نامه زبرخوانندگان متوجه خواهند شد که حاجی میرزا آقاسی ناچه اندازه با مداخله اتباع روسیه در شیلات شمال مخالف بوده است : نامه حاجی میرزا آقاسی به اسمعیل خان میرزا آقاسی مباشر شیلات :

حکایت تازه ای شنیدم خیلی به نظرم قریب آمد . از استرآباد روزنامه نوشته بودند که آقاسی نام آدم تو شیلات استرآباد را به تجار روس اجازه داده است . اگر این حکایت راست باشد خدا میداند دیگر از دست من خلاص نخواهی شد . در این عرض مدت مرا نشناخته باشی خیلی بعید است . من جهدارم سایر شیلا را هم از دولت بنهیه روسیه بگیرم آدم تو بر میدارد شیلاتی که در دست است به تجار روس اجازه میدهد مجلاً مینویسم اگر فی الواقع این کیفیت اصل دارد به ورود نوشته آدمی بفرست آن آدمست که آقاسی نام است از سر شیلات استرآباد بردارند و کس دیگر را مباشر این امر بکن که شیلات را از دست تجار روس بگیرد در دست خودش باشد . اگر در حقیقت حرف بی جا و بی یائی است بنویس که مستحضرباشم . البته به زودی شرح این فقره را نوشته بفرست تا بدانم باقی والسلام ۱۷۰

اختلاف حاج صدراعظم و سفارت روسیه بر سر اجازه شیلات به اندازه ای شدید میشود که وزیر مختار روسیه نامه تهدید آمیزی به وزارت خارجه ایران مینویسد و از حاجی گله و ضمناً درخواست میکند وزیر خارجه موضوع مورد اختلاف و اشکال تراشی های حاجی را به عرض محمد شاه برساند . چون این نامه بسیار مفصل و ضیق صفحات مجله مانع درج تمام آنست فقط به نقل چند جمله آن آشنا میشود :

..... اعلیحضرت قضا شوکت پادشاهی خود انصاف خواهند فرمود که رفتار جناب جلالت مآب حاجی سلمه الله تعالی در این کار ناپسند بوده دوستدار بجز آنکه خواسته باشد تفصیلاً چنین حرکات جناب معظم الیه را بیان نماید به گفتن این چند کلمه اکتفا میکنند که جناب ایشان فاحشاً خلاف به اعتماد دوستدار فرموده اند که به قول ایشان داشت و مدعی امر بسی اصل در پیش وزیر مختار اعلیحضرت امیراطوری شده دوستدار امیدوار است که بندگان اقدس همایون شهریاری از روی کمال ارادت و مروت حکم بر حقیقت این ادها فرموده قراری خواهند داد که به مقتضای انصاف سزاوار شوکت و شأن دولت علیه این گفتگو از میان جناب جلالت مآب حاجی سلمه الله تعالی و سفارت رفع شود . ۱۸
ناتمام

۱۶ - همان کتاب ص ۲۷۵ . ۱۷ - اسناد خانوادگی اسمعیل خان میرزا آقاسی
به نقل از کتاب امیر کبیر و ایران ص ۲۳۹ . ۱۸ - عصر بی خبری ص ۲۸۰